

پرسش ۱۶۶: آیهی (وَأَتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ...) (و حق خویشاوندان را ادا کن....)

سؤال / ۱۶۶: قال تعالى: (وَأَتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذَّرُ تُبَذِّرًا * إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا) ([612]). ما معنى هذه الآية؟ وكيف يكون التبذير؟ وهو ربما من صغائر الذنوب بهذه الخطورة ويجعل الإنسان أخاً للشيطان مع أن كبائر الذنوب لم يعبر عنها بهذا تعبير: (كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ)؟!

حق تعالی می فرماید: (و حق خویشاوندان و مسکینان و در راه ماندگان را ادا کن و هیچ اسراف کاری مکن * که اسراف کاران برادران شیاطین هستند و شیطان نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است) ([613]). معنای این آیه چیست؟ تبذیر و اسراف کاری چگونه می باشد؟ و چه بسا تبذیر جزو گناهان کوچک باشد ولی به آن این چنین اهمیت داده شده است که انسان را برادر شیطان می گرداند و حال آن که از گناهان کبیره به (كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ) تعبير نشده است؟!

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين
في الآية التي قبلها قال تعالى: (وَأَتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذَّرُ تُبَذِّرًا) . وذو القربى: آل محمد (عليهم السلام) ([614])، قال تعالى: (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) ([615])، وهم مساكين الله، فلا يوجد إنسان يتذلل ويتمسك بين يدي الله مثلهم، فهم مساكين الله.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليمًا.

در آیه‌ای که پیش از آن آمده است خداوند متعال می‌فرماید: (و حق خویشاوندان و مسکینان و در راه ماندگان را ادا کن و هیچ اسراف‌کاری مکن) : ذی القربی، آل محمد (علیهم السلام) هستند. ([616]) حق تعالی می‌فرماید: (بگو: بر این رسالت مزدی از شما طلب نمی‌کنم مگر دوست داشتن خویشاوندان) ([617]) ، و این‌ها مسکینان خداوند و هیچ انسانی به مانند آن‌ها در پیشگاه خدا اظهار حقارت و مسکنت نمی‌کند؛ بنابراین این‌ها، مسکینان خداوند هستند.

و ابن السبیل أيضاً هي في آل محمد (عليهم السلام)، فابن السبیل أي سبیل الله، أي طریق الله، فهم أي آل محمد أبناء سبیل الله، وحقهم عند كل إنسان هو كل ما يملك من مال وقوة بدنية، وكل ما وهبه الله له فهو حقهم (عليهم السلام)، أي أن يسعى معهم ، بعد إيمانه بهم، لأنه يسعى بماله وجسده و ... و ... وكلها حقهم (عليهم السلام) الذي خوّله الله به، وجعله أمانة عنده، (إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا) ([618])؛ لأنه لولا محمد وآل محمد لما خلق الله الخلق ، فهم الأدلاء على الله.

(ابن السبیل) (در راه مانده) نیز آل محمد (علیهم السلام) می‌باشد. منظور از (ابن السبیل) راه و سبیل خدا یعنی طریق الهی می‌باشد؛ بنابراین آن‌ها یعنی آل محمد ماندگان در راه خداوند و حق آن‌ها بر هر انسانی، هرچه در تملکش باشد از مال و توان بدنی می‌باشد، و نیز هرچه که خداوند به او بخشیده، حق آن‌ها (علیهم السلام) است؛ یعنی این که پس از ایمان آوردن به آن‌ها همراه با آنان تلاش و کوشش کند؛ چراکه او با مال و بدن و.... و.... خود تلاش می‌کند و این‌ها همه حق آل محمد (علیهم السلام) است که خداوند به او واگذار کرده و آن را امانتی نزد او قرار داده است: (ما این امانت را بر آسمان‌ها، زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم، از تحمل آن سرباز زدند و از آن ترسیدند. انسان آن را بر دوش گرفت؛ به راستی او ستمکاری نادان بود) ([619])؛ چراکه اگر محمد و آل محمد (علیهم السلام) نبودند، خداوند خلق را نمی‌آفرید؛ لذا آنان راهنمایان به سوی خدا می‌باشند.

(وَلَا تُبَدِّرْ تَبْدِيرًا): أي لا تُضَعِّقْ حَقَّهُمَ الَّذِي بَيْنَتْهُ فِيمَا سَبَقَ، فَتَبْدُلَ جِهْدَكَ وَسَعْيَكَ مَعَ عَدُوِّهِمْ، أَوْ مِنْ يَخَالِفُهُمْ، فَتَكُونَ كَمَنْ يَرْمِي نِعْمَةَ اللَّهِ فِي الْمَزِيلَةِ وَالنَّجَاسَةِ، لِأَنَّ أَعْدَاءَهُمْ وَمُخَالَفِيَهُمْ هُمُ الْمَزِيلَةُ وَالنَّجَاسَةُ وَالْبَالُوْعَةُ، فَتَكُونَ بِذَلِكَ نَظِيرَ عَدُوِّهِمُ اللَّعِينِ (الشَّيْطَانِ) وَأَخَاهُ لَهُ، بِمَا ضَيَّعْتَ مِنْ حَقُوقِهِمُ الَّتِي خَوْلَكَ اللَّهُ التَّصَرَّفَ بِهَا وَتَكُونَ بِذَلِكَ قَدْ خَنْتَ الْأَمَانَةَ الَّتِي انْتَمَكَ اللَّهُ عَلَيْهَا.

(و هيج اسراف نكن) : یعنی حق آن‌ها را که پیش‌تر بیان کردم ضایع مگردان و به یاری دشمنان آن‌ها یا کسی که سر ناسازگاری با آن‌ها دارد بپردازی که در این صورت، همانند کسی خواهی بود که نعمت خداوند را در زباله‌دانی و نجاست افکنده است چراکه دشمنان آن‌ها و مخالفانشان، همان زباله‌دانی و نجاست می‌باشند که به این ترتیب، همانند دشمن لعین آن‌ها (شیطان) و برادر او خواهی شد بدین دلیل که حقوق آن‌ها که خداوند اجازه تصرف در آن‌ها را به تو داده ضایع کردی و به این ترتیب به امانتی که خداوند به تو سپرده خیانت کردی.

(إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا) ([620])، هذا هو معنى الآية، أي الذين يبذرون حقوق آل محمد (عليهم السلام) ([621])، ومن التبذير أيضاً إعطاء أسرارهم (عليهم السلام) وجواهر كلامهم (عليهم السلام) لعدوهم ومخالفهم الذي لا ترجى هدايته.

(همانا اسراف‌کاران برادران شیاطین هستند و شیطان نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است) ([622]). این معنای آیه است؛ یعنی کسانی که در حقوق آل محمد (علیهم السلام) اسراف و تبذیر می‌کنند، ([623]) و از جمله مصداق‌های تبذیر حق آن‌ها، افشای اسرار آن‌ها و گوهرهای سخنان آن‌ها (علیهم السلام) برای آن دسته از دشمنان و مخالفین آن‌ها است که امیدی بر هدایت آن‌ها نمی‌باشد.



[612] - الإسراء : 26 - 27.

[613] - إسراء: 26 و 27.

[614] - روى الشيخ الصدوق في أماليه عند مجئ سبايا الامام الحسين (عليه السلام) الى الشام وسبهم من قبل شيخ من أهل الشام، قال: (.. قال له علي بن الحسين عليهما السلام: (أما قرأت كتاب الله عز وجل؟ قال: نعم. قال: أما قرأت هذه الآية (قل لا أسئلكم عليه أجراً إلا المودة في القربى)؟ قال: بلى. قال: فنحن أولئك. ثم قال: أما قرأت (وأت ذا القربى حقه)؟ قال: بلى. قال: فنحن هم ..) الامالي: ص 230.

[615] - الشورى : 23.

[616] - شيخ صدوق در امالی هنگام وارد شدن فرزندان امام حسين ع به شام و سب و دشنام داده شدن به آنها توسط شاميان روايت مى كند: على بن الحسين ع به او فرمود: «**آيا كتاب خداوند عزوجل را نخوانده‌اى؟!** » گفت: چرا، خوانده‌ام. فرمود: «**آيا اين آيه را نخوانده‌اى؟! (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) (بگو: بر اين رسالت مزدى از شما طلب نمى‌كنم مگر دوست داشتن خويشاوندان)**» گفت: خوانده‌ام. فرمود: «**ما همان‌ها هستيم**». سپس فرمود: **آيا نخوانده‌اى (وَأْتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ) (و حق خويشاوندان را ادا كن)؟**» گفت: آرى. فرمود: «**ما همان‌هايم....**». امالی: ص 230.

[617] - شورى: 23.

[618] - الأحزاب : 72.

[619] - احزاب: 72.

[620] - الإسراء : 27.

[621] - عن إسحاق بن عمار، عن أبي عبد الله (عليه السلام) في قول الله: (ولا تبذر تبذيراً)، قال: (لا تبذروا ولاية علي (عليه السلام)) المحاسن للبرقي: ج 1 ص 257، بحار الأنوار: ج 25 ص 284.

وعن جميل عن إسحاق بن عمار في قوله: (ولا تبذر تبذيراً) قال: (لا تبذر في ولاية علي (عليه السلام)) تفسير العياشي: ج 2 ص 288 ح 57.

[622] - إسراء: 27.

[623] - از اسحاق بن عمار از ابوعبدالله كه درباره‌ى اين سخن خداوند (وَلَا تُبْذِرْ تَبْذِيرًا) (و هيچ اسراف‌كارى مكن) فرمود: «**ولايت على ع را ضايع مكن**». محاسن برقى: ج 1 ص 257؛ بحار الانوار: ج 25 ص 284.

از جميل بن اسحاق درباره‌ى (وَلَا تُبْذِرْ تَبْذِيرًا) (و هيچ اسراف‌كارى مكن) روايت شده است: «**در ولايت على ع اسراف‌كارى نكن**». تفسير عياشى: ج 2 ص 288 ح 57.